

نقش صبر حضرت زینب (س) در پیدایش بزرگ‌ترین میراث معنوی جهان

لاله افتخاری^۱

چکیده

در طول دوره‌های مختلف، زنان نقش تأثیرگذار و تاریخ‌سازی در پیشرفت جوامع و یا عقب‌ماندگی آن داشته‌اند و تلاش آنان در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی گاه به صورت چشم‌گیری تأثیرگذار بوده است. از جمله این اقدامات، فعالیت آنان در بخش میراث ناملموس است؛ میراثی که هرچند کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد اما ماندگاری، تأثیرگذاری و قابلیت تعمیم و تکثیر آن بدان جهت که عمدتاً از جنس نرم است بیش از میراث‌های ملموس است. یکی از مصادیق بی‌بدیل میراث معنوی، آیین سوگواری و عزاداری حسینی (ع) است که دستاورد روایتگری، بصیرت بخشی و روشنگری بازماندگان جریان عاشورا به‌ویژه کاروان سالار آنان حضرت زینب کبری (س) است که حاصل آن آیین ماندگار عزاداری حسینی در محرم، صفر و به‌ویژه در پیاده‌روی ده‌ها میلیونی اربعین است. آیینی که تمامی ویژگی‌های میراث معنوی در حوزه‌های سه‌گانه رفتارها، نمادها و آیین‌ها را در برمی‌گیرد و جنبه‌های هنری، سنت‌ها، آداب و رسوم را در قالب بیان و زبان شامل می‌گردد؛ اما به‌رغم آنکه در رابطه با زینب کبری و شخصیت ایشان پژوهش‌های بسیاری انجام شده است، تاکنون در رابطه با نقش حضرت به‌ویژه صبر و ایستادگی ایشان در ایجاد عزاداری حسینی به‌عنوان بزرگ‌ترین میراث معنوی جهان، پژوهشی انجام نگرفته است. لذا این مقاله بر آن است تا با روش تحلیلی-اسنادی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی صبر حضرت زینب در جریان نهضت حسینی را بررسی کند و مواضع صبر ایشان در سه حوزه صبر بر طاعت، صبر بر معصیت و صبر بر مصیبت را به تصویر کشیده به این سؤال که نقش صبر حضرت زینب (س) در ایجاد عزاداری حسینی (ع) به‌عنوان بزرگ‌ترین میراث معنوی جهان چیست؟ پاسخ دهد.

کلمات کلیدی: عزاداری حسینی، زینب کبری، صبر، میراث معنوی

۱. مقدمه

همه انسان‌ها اعم از زن و مرد حقوق و مسئولیت‌هایی دارند که برخورداری از یکی و پایبندی به دیگری زمینه‌ساز دستیابی آنان به سعادت و نیکبختی به شمار می‌آید. قرآن کریم نیز که کتاب زندگی انسان‌هاست و شامل مفاهیم کتب آسمانی پیشین و مطالبی افزون بر آن است به جایگاه مهم زنان و مردان پرداخته، به‌رغم آنکه در بسیاری از موارد در بیان احکام یا دیگر آموزه‌ها که مخاطب آن انسان مسلمان است از باب تغلیب بهره گرفته است باین‌حال در مواردی که باید به نقش کلیدی و مستقل زنان توجه شود به‌صورت مجزا از صیغه‌های مؤنث برای زنان و مذکر برای مردان بهره گرفته تا علاوه بر دفاع از حقوق بانوان توجه آنان را به اهمیت رسالتشان جلب کند.

به‌تبع این نگرش، تاریخ بشر به‌ویژه تاریخ اسلام نیز پیوسته شاهد نقش‌آفرینی زنان همدوش و گاه جلوتر از مردان هست که نمونه بارز آن جریان نهضت حسینی است که در حقیقت از دو بخش مرتبط و مکمل و در عین حال مجزا از یکدیگر تشکیل شده است؛ دو بخشی که از مدینه و خروج امام حسین (ع) و یارانش از مدینه به سمت مکه و از آنجا به سوی کربلا شکل می‌گیرد و در عصر عاشورای سال ۶۱ هجری خاتمه می‌یابد. باوجودیکه بانوان به‌ویژه حضرت زینب همپای امام حرکت می‌کنند باین‌حال همچون ستارگان درخشانی هستند که در پرتو بدر وجود امام حسین (ع) نور چشمگیری ندارند لذا این قسمت از نهضت بیشتر رنگ مردانه دارد؛ اما بخش دوم که از عصر عاشورا به کاروان‌سالاری زینب کبری (س) و با حضور شماری از بانوان بازمانده از جریان کربلا شکل می‌گیرد به‌رغم وجود امام سجاد (ع) بیشتر رنگ زنانه دارد. این قسمت که با بصیرت بانوان عاشورایی و در رأس همه آن‌ها زینب کبری (س) در نهایت به رسوایی دشمنان و تغییر مسیری که مشخص کرده بودند انجامید، قطعاً حاصل بصیرت و آگاهی، تکلیف‌مداری، تعهد و استقامت آنان است و اگر صبر و شکیبایی ایشان در سه عرصه صبر بر طاعت، صبر بر معصیت و صبر بر مصیبت نبود کربلا قطعاً در کربلا می‌ماند و دشمنان به اهداف خود که همان شکست و نابودی اسلام ناب محمدی بود دست می‌یافتند. از سویی زن و دختر امروز می‌خواهد الگویی انتخاب کند که نه تصویر زن ارتجاعی ستی و نه زن مدرن تحمیلی است بلکه تصویر عینی چهره سوم و شخصیت‌های نمونه‌ای به نام امام و اسوه است که همه در یک خانواده در یک اتاق کوچک جمع و همه سرمشق‌اند. حسن بودن در صلح، حسین بودن در جهاد و شهادت، زینب بودن در سنگین‌ترین رسالت اجتماعی، عدالت و حق، فاطمه بودن در زن و علی بودن در همه‌چیز. (شریعتی، ۱۳۹۲: ۲۴۶) امروزه بشر

بیش از هر زمان دیگری به شناسایی و حفظ میراث ناملموس کشورها و تمدن‌ها توجه دارد؛ میراثی که قابل حفظ و انتقال به نسل‌ها، عصرها و سرزمین‌های دیگر بوده در قالب مراسم عزاداری حسینی (ع)، نه تنها حداقل بلکه تمامی شاخص‌های میراث فرهنگی معنوی را دارا هست. مراسم و آیین‌هایی که آن را به بزرگ‌ترین میراث معنوی و ناملموس جهان تبدیل کرده است.

۲- مبانی نظری

در بخش مبانی نظری در مورد مباحث زیر که جایگاه مبانی پژوهش حاضر را در بردارد- صحبت می‌شود: ۱- صبر و اقسام آن ۲- عزاداری حسینی ۳- امام حسین (علیه‌السلام) ۴- حضرت زینب (سلام‌الله علیها)

۲-۱- صبر

صبر در لغت عرب به معنای خویشتن‌داری، حبس و در تنگنا و محدودیت قرار دادن است (زبیدی، ۱۳۷۳: ۷/۷۱)

و برخی نیز آن را بازداشتن نفس از اظهار بی‌تابی و بی‌قراری دانسته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۷۳) گاهی منظور از صبر، محدودیت‌هایی است که در کشش‌ها و دافعه‌های نفسانی ایجاد می‌شود. (نراقی، ۱۳۷۶: ۳/۲۸۰)

۲-۱-۱- اقسام صبر

اقسام صبر به سه شاخه تقسیم می‌شود: صبر بر اطاعت، صبر بر معصیت و صبر بر مصیبت

۲-۱-۱-۱- صبر بر معصیت

منظور از «صبر بر معصیت»، مقاومت در برابر وسوسه‌ها، شهوات و هوای نفس است که اگر این اتفاق نیافتد این شهوات همه ایمان و پاکی آدمی را از بین می‌برد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۷).

۲-۱-۱-۲- صبر بر طاعت

منظور از «صبر بر اطاعت» مقاومت در برابر سختی‌ها و فرمان‌برداری از تکالیف الهی است. اطاعت فرمان الهی در نماز، روزه، حج، جهاد، خمس و زکات و همچنین شکیبایی در مشکلات اطاعت مستحبات که بسیار گسترده‌اند (همان).

۲-۱-۱-۳- صبر بر مصیبت

و منظور از «صبر بر مصیبت»، همان شکیبایی در برابر همه غم‌هایی است که در طول زندگی به انسان وارد می‌شود (همان).

۲-۲- امام حسین (علیه‌السلام)

امام حسین بن علی (علیه‌السلام) سومین امام شیعیان، فرزند نخستین امام شیعیان، امام علی (علیه‌السلام) و نوه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) هستند. (مفید، ۱۳۹۵: ۲۷) در منابع اسلامی روایات فراوانی درباره فضائل ایشان وجود دارد و شیعیان برایشان جایگاه ویژه‌ای قائل هستند. امام حسین (علیه‌السلام) در نزد اهل سنت نیز از احترام برخوردار هستند. واقعه کربلا که به شهادت امام حسین (علیه‌السلام) و یارانشان انجامید، مهم‌ترین بخش از زندگینامه ایشان به شمار می‌آید. بر پایه برخی گزارش‌ها، امام حسین (علیه‌السلام) پیش از حرکتشان به همراه اهل بیت خویش به سوی عراق از شهادت خویش آگاه بوده‌اند. این واقعه در پی خودداری ایشان از بیعت با خلیفه فاسد اموی، یزید رخ داد. (طبری، ۱۳۷۵: ۴۰۸ / ۵) صبح روز عاشورا جنگ میان سپاه اندک امام (علیه‌السلام) و سپاه بی‌شمار عمر سعد در زمین کربلا آغاز شد و تا ظهر بسیاری از یاران و خویشان امام حسین (علیه‌السلام) پس از نبردی شجاعانه به شهادت رسیدند (همان: ۴۲۹). سپس خود امام (علیه‌السلام) به میدان رفتند و عصرگاه روز دهم محرم پس از جراحات فراوان و با لبانی تشنه به شهادت رسیدند. شمر بن ذی‌الجوشن (خوارزمی، ۱۴۲۳، ۲: ۴۱) و به نقلی سنان بن انس (طبری، ۱۳۷۵، ۵: ۴۵۰) سر ایشان را جدا کرد و در نهایت دشمنان، اهل بیت امام (علیه‌السلام) را به اسارت گرفته و به سوی کوفه و سپس مرکز خلافت، شام، حرکت کردند.

۲-۳- حضرت زینب (سلام‌الله علیها)

حضرت زینب (سلام‌الله علیها) دختر امام علی (علیه‌السلام) و حضرت فاطمه (سلام‌الله علیها) است. (ابن الاثیر، ۱۴۰۹، ۶: ۱۳۲) حضرت زینب (س) را به سبب سختی‌های بسیاری که در زندگی دید، ام‌المصائب نیز لقب داده‌اند. درگذشت جدش پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بیماری و به شهادت رسیدن مادر، شهادت پدرشان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، شهادت برادرشان امام مجتبی (علیه‌السلام)، واقعه کربلا و شهادت امام حسین (علیه‌السلام) و فرزندان و خویشان‌شان و به اسارت رفتن در کوفه و شام از جمله وقایع سخت و تلخ زندگی ایشان به شمار می‌آید (امین عاملی، ۱۴۰۶، ۷: ۱۳۷) در طول نهضت عاشورا، نقش فداکاری‌های عظیم حضرت زینب (سلام‌الله علیها)، بسیار بود. ایشان در واقعه عاشورا مصیبت از دست دادن عزیزترین کسانشان یعنی برادران، فرزندان و فرزندان برادر را متحمل شدند اما ایشان بر همه این مصیبت‌ها صبر نمودند. حضرت زینب (سلام‌الله علیها) مراقبت‌کننده از امام زین العابدین (علیه‌السلام) و

سرپرست کاروان اسیران اهل بیت بوده و پس از عاشورا و در سفر اسارت در کوفه و دمشق، خطابه‌های آتشینی ایراد کردند و همین خطبه‌ها که نشانه صبر ایشان در عرصه‌های مختلف هست، رمز بقای حماسه کربلا و بیداری مردم گشت. پس از بازگشت به مدینه نیز در مجالس ذکری که برای شهدای کربلا برگزار می‌شد، به سخنوری و افشاگری می‌پرداختند. حضرت زینب کبری در حقیقت یک نمونه کامل زن مسلمان در برابر چشمان دنیا است که شور عاطفه زنانه را با متانت قلب یک انسان مؤمن و زبان صریح و روشن یک مجاهد فی سبیل الله و زلال معرفت همراه نموده، شنوندگان را مبهوت ساخته است. (حسینی خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۰) حضرت زینب کبری از چنان نبوغی برخوردار است که بسیاری از بزرگان خطبه معروف مادرش حضرت زهرا را به نقل از او که کودکی پنج‌ساله بوده روایت می‌کنند. (قزوینی، سید محمد کاظم، ۱۳۹۴)

۲-۴- عزاداری حسینی

شیعیان (و گاه غیر شیعیان) در ماه محرم، ماهی که واقعه کربلا در روز دهم آن رخ داد، برای امام حسین و شهیدان کربلا سوگواری می‌کنند. شیعیان برای این سوگواری آیین‌هایی دارند که رایج‌ترین آن‌ها روضه‌خوانی، شمایل کشی، سینه‌زنی، تعزیه و خواندن زیارتنامه‌هایی مانند زیارت عاشورا، زیارت وارث و زیارت ناحیه مقدسه به صورت فردی و گروهی است. سوگواری بر امام حسین (علیه السلام) از نخستین روزهای پس از عاشورا آغاز شد. (بلاذری، ۱۴۱۷، ۳: ۲۰۶) و بنا بر نقلی، هنگام حضور اسیران کربلا در شام، زنان بنی هاشم چند روز با پوشیدن لباس سیاه، به عزاداری پرداختند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۵: ۱۲) پس از روی کار آمدن دولت‌های شیعی و برداشته شدن فشار از شیعیان، سوگواری جنبه رسمی پیدا کرد. (آئینه‌وند، ۱۳۹۳: ۶۵)

هرچند که خداوند برای عزاداری حسینی و گریه بر مظلومیت و مصائب ایشان و خاندان مطهرشان از ابتدای خلقت برنامه‌ریزی کرده بود (شجاعی ۱۳۹۷: ۱۷) و انبیای الهی از جمله حضرت آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و زکریا بر حضرت سوگواری کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۴: ۲۴۴) و حضرت زهرا و پیامبر (ص) پس از ولادت ایشان و امیر المومنین و حضرت عیسی (علیه السلام) به هنگام عبور از کربلا (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۹۹) و نیز امام حسن (آقاجانی قناد، علی، ۱۳۸۸) و صدیقان، شهیدان و ملائکه (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۵: ۲۰۸) برایشان گریسته‌اند و خط سیر دنباله‌دار تاریخ عزاداری از ابتدای خلقت تا هنگام شهادت حضرت تداوم داشته است (همان: ۵۲)، با این حال اولین عزاداری پس از شهادت امام

حسین (ع) از عصر عاشورا آغاز گشت آنگاه که ذوالجناح، اسب ویژه حضرت با زین واژگون و یال غرقه به خون به سوی خانواده امام بازگشت؛ این عزاداری در حمله دشمن به خیام سیدالشهدا و در طول سفر به شام توسط حضرت زینب (س) و دیگر بازماندگان کربلا ادامه یافت و گریه و سوگواری بر مظلومیت امام حسین و عظمت شخصیت حضرت و یارانش تا آنجا صورت گرفت که علاوه بر دوستان حتی دشمنان و قاتلان ایشان همچون عمر سعد، اهل شام و لشکر کوفیان نیز بر حضرت گریستند. عزاداری زنان بنی اسد و اهل بیت در شام و ام‌البینین در بقیع و صحابه پیامبر (ص) به دوران نزدیک به عاشورا برمی‌گردد. با این حال پیوسته تاکنون، نه تنها شیعیان، بلکه بزرگان اهل سنت و غیرمسلمانان نیز این عزاداری را برپا داشتند و توصیه و دستور ائمه (ع) به برگزاری مراسم عزاداری امام حسین شیعیان را به تداوم انجام آن حتی در زمان خفقان بنی‌امیه و تهدیدات عباسیان واداشت. در ایران از زمان آل‌بویه برای نخستین بار عزاداری به صورت رسمی از سوی حاکمیت برگزار شد و ملاحسین کاشفی کتاب روضه الشهدا را در همین زمینه نوشت (کاشفی، ۱۳۸۲: ۱: ۲۲۷)

رضاخان قبل و بعد از سلطنت دو سیاست متفاوت در قبال برگزاری مراسم عزاداری ماه محرم در پیش گرفت. وی قبل از رسیدن به قدرت، سعی کرد با عوام‌فریبی از جو و فضای خاص این ماه، برای گسترش نفوذ خود، و فریب مردم استفاده کند. راه‌اندازی دسته و هیئت و رفت و آمد به منزل علما و روحانیان، از جمله ترفندهای وی در این دوره بود. بنابراین سردار سپه پس از کسب موفقیت‌هایی در عرصه سیاسی و نظامی، برای جلب حمایت مردم در صدد استفاده از مراسم عزاداری ماه محرم برآمد. (اعظام قدسی، ۱۳۹۷: ۶۹۲)

رضاخان که پیش از سلطنت به اصطلاح صاحب دسته و هیئت بود و در مراسم سوگواری ماه محرم شرکت می‌جست، پس از رسیدن به پادشاهی تغییر رویه داد و به تدریج مراسم عزاداری ماه محرم را ممنوع کرد. او نخست محل روضه قزاق‌خانه را به تکیه دولت انتقال داد و از شکوه و جلال و مدت زمان مراسم آن کاست. در نهم محرم سال ۱۳۱۰ در حالی که بسیاری از مراسم مانند زنجیر زدن و دسته راه انداختن ممنوع بود؛ وی در تکیه دولت حضور یافت و روضه ساده‌ای خوانده شد. (بصیرت‌منش، ۱۳۷۶، ۱۳۹-۱۴۱).

ممنوع بودن برگزاری مراسم عزاداری امام حسین (ع) با اشغال ایران به دست متفقین و تبعید رضاخان به پایان رسید. با پخش خبر تبعید رضاخان از کشور، بسیاری از مردم به صورت خودجوش به تکیه‌های

عزاداری و مسجدها روی آوردند، و با اینکه ماه محرم و صفر نبود، فریاد «یا حسین» سردادند. این گونه حرکت مردم و اظهار شادی خود با فریاد «یا حسین»، در واقع واکنشی بود به سال‌های ممنوع بودن عزاداری امام حسین (ع) (حائری، ۱۳۷۲، ۳۳-۳۴).

۳- بیان مسئله

۳-۱- جلوه‌های صبر حضرت زینب (سلام‌الله علیها)

نهضت حسینی حماسه پرشکوهی است که در دو مقطع زمانی رخ داد. یک مقطع با دلاوری‌ها و جانبازی‌های امام حسین (علیه السلام) و یاران پاک‌باخته‌اش بود و مقطع دیگر، دوران اسارت خاندان اهل بیت که فرماندهی آن را حضرت زینب (سلام‌الله علیها) با صبر فراوان بر عهده داشتند. ایشان مانند مادر بزرگوارشان حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها) مدیریت این شرایط بحرانی را با دو هدف بر عهده گرفت. یکی افشاگری بدون درگیری در جهت حفظ جان امام معصوم و دیگری صیانت از عفت و حرمت خاندان پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) در بدترین شرایط اسارت، به صورتی که چه با عمل خویش و چه با گفتارشان در قالب خطبه‌هایی کوبنده در کوفه و شام توانستند که نه تنها مانع سوءاستفاده دشمن شوند بلکه حکومت ظالمانه اموی را نیز رسوا کردند. می‌توان گفت مهم‌ترین سلاح ایشان در به ثمر رسیدن این حرکت صبر است. ایشان با صبر مثال‌زدنی در تمام عرصه‌ها امانت‌دار این مسئولیت و پیام عظیم عاشورایی بودند.

۳-۱-۱- صبر در طاعت

رضا بر قضای الهی

یکی از جنبه‌های عرفانی حضرت زینب (سلام‌الله علیها) تسلیم در برابر قضا و قدر الهی است. همین اعتقاد، صبر بر سوگ عزیزان و یاران را برای حضرت، شیرین و گوارا کرده بود؛ به نحوی که زخم‌زبان عبیدالله زیاد که گفت: سپاس خدایی را که شما را رسوا کرد و دروغ شما در گفتارتان را آشکار نمود، پاسخ دادند: همانا شخص فاسق رسوا می‌شود و فاسق دروغ می‌گوید، او شخص دیگری است نه ما. (حسینی کوهساری، ۱۳۹۶: ۱۵۸) و یا درجایی دیگر در پاسخ به سؤال ابن زیاد که گفت: کار خدا را در مورد برادر و اهل بیت چگونه دیدی؟ گفتند: من جز خیر و زیبایی چیزی ندیدم. (ابن طاووس، ۱۳۹۰: ۲۱۱) رضا به قضای الهی بود که در کنار بدن قطعه‌قطعه شده برادر دست زیر بدن برادر برد و به طرف آسمان نگریست و فرمود: پروردگارا! این قربانی را از ما قبول فرما! (المقرم، ۱۴۲۶: ۱۵۸)

ولایت مداری

حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) که حضور هفت معصوم را درک کرده، در تمامی ابعاد ولایت مداری (معرفت امام، تسلیم بی‌چون‌وچرا بودن، معرفی و شناساندن ولایت، فداکاری در راه آن و) ... سرآمد است. ایشان با چشمان خود مشاهده کرده بودند که چگونه مادرشان خود را سپر بالای امام خویش قرار دادند. زینب (سلام‌الله‌علیها) به‌خوبی درس ولایت مداری را از مادر فراگرفتند و آن را به زیبایی در کربلا به عرصه ظهور رسانیدند. حضرت همواره تسلیم امامت و پیرو ولایت بودند. چه در دوران امام حسین (علیه‌السلام) و چه در دوران امام سجاد (علیه‌السلام). هنگامی که دشمنان پس از شهادت امام حسین (علیه‌السلام) خیمه‌گاه را آتش زدند، یعنی در آغاز امامت امام سجاد (علیه‌السلام)، حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) جهت کسب تکلیف نزد آن حضرت آمد و عرض کرد: ای یادگار گذشتگان ... خیمه‌ها را آتش زدند ما چه کنیم؟ فرمود: «علیکن بالفراغ؛ فرار کنید.» (سپهر، ۱۳۹۰: ۱ / ۲۴۴) ایشان در این کسب تکلیف، ولایت‌پذیری نسبت به امام عصر خویش را ترسیم می‌کند. حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) نه تنها با زبان خویش در اسارت از ولایت دفاع نمود، بلکه حمایت عملی و پیروی خویش از ولایت را با تمام وجود و تا آخر عمر به تصویر کشیدند.

امربه معروف و نهی از منکر

حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) همراه دیگر اسرا با سختی و مشقت فراوان به کوفه رسیدند. ایشان رساندن پیام نهضت امام حسین (علیه‌السلام)، حقانیت اسلام و نامسلمانی یزید را از مهم‌ترین وظایف خود می‌دانستند و درجهت آگاه‌سازی مردم نسبت به منکر عظیمی که حکومت یزید و هم‌پیمانانش مرتکب شده‌اند و معروفی که امام حسین (علیه‌السلام) و یاران‌شان درجهت احیا آن به شهادت رسیدند تبلیغات خود را در غالب خطبه‌های غرابی در جای‌جای مسیر حرکتشان آغاز کردند.

هنگامی که حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) همراه کاروان اسیران به دارالاماره کوفه و در مجلسی که ابن زیاد برپا ساخته بود رسیدند، حضرت بدون اعتنا و باوقار تمام در طرفی از مجلس نشست و زنان بنی‌هاشم او را چون نگینی درخشان احاطه کردند. ابن زیاد چند نوبت پرسید این زن متکبر که تعظیم و سلامی نکرد کیست؟ کسی جوابش را نمی‌داد تا آخر گفتند: او زینب (سلام‌الله‌علیها) دختر علی (علیه‌السلام) است. آن وقت ابن زیاد گفت: خدا را شکر که شما را رسوا کرده و اخبار و وحی شماها دروغ درآمد. زینب (سلام‌الله‌علیها) با نگاه تحقیرآمیز و آمرانه و بی‌اعتنا فرمودند: سپاس خدا را که ما را گرمی و از خاندان

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) قرارداد و از هر آلودگی و ناپاکی برکنار و پاک داشت. فاسقان رسوا می‌شوند و تبه‌کاران دروغ می‌گویند. شکر پروردگار می‌کنم که آنان غیر از ما آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) هستند. ابن‌زیاد گفت: دیدی خدا با اهل‌بیت چگونه رفتار کرد؟ حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) فرمودند: خداوند سعادت شهادت را سرنوشت آن‌ها قرار داده بود. آنان باعقیده ثابت و شجاعت تمام به قتلگاه خویش شتافتند. خیلی نزدیک است که تو و دستیارانت با شهدا راه حق در یک دادگاه راستین بیایید تا در پیشگاه خداوند عادل محاکمه و هرکس جزای خود را ببیند. (طبری، ۱۳۷۵: ۲۸۵) پس از این سخنان کوبنده ابن‌زیاد شکست را در برابر حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) احساس کرد و نتوانست صبر و شکیبایی حضرت را بشکند و به مقصودش برسد. بعدازآن حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) همراه دیگر اسیران راهی شام شدند.

حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) به همراه دیگر اسیران به دربار یزید رسیدند. در آن هنگام یزید که خود را فاتح می‌دید به همراه دیگر سران بنی‌امیه اطراف آنان نشسته بودند. در آن شرایط عذاب‌آور و سخت حضرت زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) دختر علی (علیه‌السلام) با شجاعت تمام، در غالب جمله‌های مُتَقَن رسوایی و بی‌کفایتی نه‌تنها یزید بلکه آل سفیان را بر همگان روشن ساختند و یزید و هم‌پیمانانش را رسوا کردند. (مفید، ۱۳۹۵: ۴۶۱)

متن خطبه و فرمایش حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) علاوه بر بزرگی و عزت‌نفس و علم و شجاعت ایشان، صبر ایشان در طاعت که همان امر به معروف و نهی از منکر است را روشن و تأیید می‌کند. ایشان زمانی این‌گونه سخن راندند که در شرایط دشوار اسارت قرار داشتند، اما جمله‌ها و الفاظی انقلابی بیان کردند که به‌وضوح سرتاپای خلافت اموی را غاصب و بی‌دین معرفی می‌کند و اصل و نسب معاویه و یزید را دغل‌باز و ریاکار و خارج از اصول اسلام می‌شناساند و بدون هیچ تملق و ترسی عمل یزید را خطا و گناه نابخشودنی با دلایل و آیات قرآنی برمی‌شمرد و عملکرد پدران یزید را مردود طریقه اسلام معرفی می‌کند. (همان)

ایشان رو به یزید کرد و گفت: تو با ریختن این خون‌های پاک که ستاره‌های درخشان و خورشید آل‌عبدالمطلب بودند آیا عقده دل مجروحت گشوده و ریشه محنتت کنده شد؟ به خدا قسم که تو نمی‌توانی ذکر و نام ما را محو کنی و از یادهای روزگار فراموش دهی و تو هرگز نمی‌توانی وحی ما را که از خدا به ما نازل شده، پس بفرستی و تو ابداً فرجام ما را نمی‌توانی درک کنی، همچنان که نهایت کار ما را هم

نمی‌توانی بشناسی و قادر نیستی کارهای شرم‌آور و ننگین خود را پاک‌کنی. به خدا سوگند جز از خدا از دیگری نمی‌ترسم و جز به او به کسی پناه نمی‌برم و شکایت نمی‌کنم. (مفید، ۱۳۹۵: ۴۶۱)

نماز

یکی دیگر از جلوه‌های صبر در طاعت حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) اهتمام ایشان به فریضه‌ی نماز آن‌هم در سخت‌ترین شرایط است. در شب یازدهم محرم حضرت در حالی نماز خواندند؛ که بدن‌های بی‌سر، روی خاک‌ها افتاده بود و در اطراف ایشان زنان و اطفال وحشت‌زده بودند. لشکریان دشمن نیز از هر طرف آنان را احاطه کرده بودند.

همچنین از امام سجاد (علیه‌السلام) روایت‌شده است: عمه‌ام زینب (سلام‌الله‌علیها) با تمام مصیبت‌ها و محنت‌ها در طول سفر به سوی شام نافلة‌های شبانه‌اش ترک نشد و در بعضی منزل‌ها نمازش را نشسته می‌خواند. (بحرانی، ۱۴۰۵: ۹۵۴)

در روایت دیگر از آن حضرت آمده است: ندیدم عمه‌ام نمازش را نشسته بخواند، مگر در شب یازدهم محرم! (همان)

۳-۱-۲- صبر در معصیت

عدم پذیرش صدقه

حرمت صدقه بر آل پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) در منابع فریقین آمده. پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) فرمودند: «إِنَّا آلُ مُحَمَّدٍ لَا تَحِلُّ لَنَا الصَّدَقَةُ.» (بخاری، ۱۴۰۷: ۶۳۸/۲).

اهتمام حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) بر حرمت صدقه بر آل رسول (صلی‌الله‌علیه و آله) باعث شد تا ایشان نه‌تنها خود از پذیرش آب و غذایی که از سمت مردم به ایشان تعارف می‌شد امتناع کنند بلکه دیگر اسرا را نیز از این کار منع می‌کردند. (حسینی کوهساری، ۱۳۹۶: ۳۲۴) این عمل علاوه بر اینکه به‌نوعی دوری از حرام یا همان صبر بر معصیت است بلکه از جهت دیگر افشاگری اسیران اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در برابر تبلیغ حکومت یزید مبنی بر خارجی بودن دودمان مظلوم پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) بود.

عدم همراهی با طاغوت

همراهی با طاغوت در مقابل ولایت الهی بزرگ‌ترین معصیت در هر زمانی است. مسلماً حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) نیز که در خانه وحی و دامن ولایت رشد و تربیت یافته‌اند به‌خوبی از این موضوع آگاه

هستند. پس بدیهی است که ایشان نیز به تبعیت از جد خود رسول اکرم (صلی‌الله علیه و آله)، پدر، مادر و برادران بزرگوار خویش نه‌تنها در هیچ زمینه‌ای حتی مسائل کوچک و پیش‌پاافتاده با حکومت طاغوت و یزیدیان چه در عمل و چه در سخن همراهی نکردند بلکه از هر فرصتی جهت بیان رسوایی و ذات پلید آن‌ها بهره می‌جستند.

۳-۱-۳- صبر بر مصیبت

یکی از بارزترین جلوه‌های صبر حضرت زینب (سلام‌الله علیها) را در هنگام مواجهه‌ی ایشان با مصیبت‌ها و بلاهای دیده می‌شود. از جمله مصیبت‌های عظیمی که بر ایشان وارد شد شهادت فرزندان، خانواده و یاران، به اسارت رفتن و سختی‌هایی است که در این مسیر متحمل شدند.

صبر بر شهادت فرزندان

داغ فرزندان یکی از جانکاه‌ترین مصیبت‌هاست؛ اما حضرت زینب (سلام‌الله علیها) نیز که دانش‌آموخته‌ی مدرسه برادر خویش هستند همانند امام حسین (علیه‌السلام) و به زیبایی هرچه‌تمام‌تر بر این مصیبت نیز صبر کردند.

در روایت داریم: عبدالله ابن جعفر، همسر زینب کبری، هنگام خروج امام حسین (علیه‌السلام) از مکه، نامه‌ای به آن حضرت نوشت و دو فرزندش محمد و عون را همراه نامه، تقدیم حضرت کرد تا در راه او جان‌فشانی کنند. به‌طورقطع این دو نفر از کسانی بودند که در کربلا حاضر شدند و هردو به مقام شهادت نائل آمدند. (رضایی؛ ۱۳۷۹: ۹۸، ۹۹) از فردی چون حضرت زینب (سلام‌الله علیها) انتظاری جز این نیست که در مقابل شهادت فرزندش صبر پیشه کنند. شهادت فرزند در مقابل شهادت سیدالشهدا و فرزندانش آسان می‌نمود، زیرا ایشان خود را همراه و هرچه داشت را فدایی راه امام حسین (علیه‌السلام) و فرزندان او می‌دانستند. ایشان به‌راستی معتقد به ولایت بود و معنای «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَيْهِ أُولِيَاءُكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا» (احزاب / ۶) را خوب می‌دانست. می‌دانست که باید پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) و فرزندانش را بر همه چیز حتی جان و فرزندان خود مقدم دارد. (رضایی، ۱۳۷۹:

(۱۰۰)

آنچه حضرت زینب (سلام‌الله علیها) را استوار می‌ساخت و به او اطمینان و آرامش می‌بخشید و بر استقامتشان می‌افزود و او را برای ادامه راه سیدالشهدا (علیه‌السلام) آماده می‌کرد، سخنانی بود که

سیدالشهدا در هنگامه مصیبت‌ها بر زبان جاری می‌ساختند. این کلمات از دلی سرشار از رضا و تسلیم در برابر امر پروردگار برمی‌آمد و لاجرم بر دل‌پاک زینب (سلام‌الله‌علیها) می‌نشست. همان‌گونه که امام (علیه‌السلام) پس از شهادت حضرت علی‌اصغر (علیه‌السلام) فرمودند: هون علی ما نزل بی انه بعین الله " (ابن طاووس، ۱۳۹۰: ۱۵۹) این مصیبت بر من آسان است، چراکه در محضر خداست.

سیدالشهدا (علیه‌السلام) در این جمله کوتاه یک دنیا معرفت، توحید، ایمان، توکل، تسلیم و رضا را به نمایش می‌گذارد و زینب از صبر برادرش سیدالشهدا که ملائکه آسمان‌ها را شگفت‌زده ساخت. "قد عجبت من صبرک ملائکه السماوات" (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۱، ۲۴۰) الهام می‌گیرد؛ و می‌آموزد که سخت‌ترین رنج‌ها و مصیبت‌ها در راه خدا آسان است. چون مورد رضای خداست. لذا هنگامی که ابن زیاد با لحنی شماتت‌آمیز به وی گفت: کار خدا را به برادر و خانواده‌ات چگونه دیدی؟ فرمود: "مارایت الا جمیلا" آن زیبایی که عقیده در محنت‌های اهل‌بیت می‌دید پرتوهای بود که از عمل کردن به وظایفی که خداوند بردوش آن‌ها نهاده بود سرچشمه می‌گرفت. (بارا، آنتوان، ۱۳۹۳)

صبر بر شهادت امام حسین

می‌توان گفت عظیم‌ترین مصیبتی که در جریان عاشورا بر حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) وارد شد، شهادت جان‌گداز و مظلومانه امام و برادرشان، حضرت سیدالشهدا (علیه‌السلام) بود؛ و این مصیبت عظیم صبری عظیم می‌طلبید؛ اما از آنجایی که ایشان رشد یافته مکتب اهل‌بیت (سلام‌الله‌علیها) و بهره‌مند از چشمه‌ی معرفت الهی بودند در این بلای بزرگ نیز عنان صبر از کف ندادند و از مسیر صبر ایشان بود که پیام عاشورا جهانی شد و بعد زمان و مکان را درنوردید.

آن هنگام که امام حسین (علیه‌السلام) برای وداع به خیمه آمد و با امام سجاد (علیه‌السلام) و خواهرش زینب (سلام‌الله‌علیها) و دیگران دیدار کرد و آنان را به خدا سپرد و خداحافظی کرد. اما همین‌که چند قدم به سوی میدان حرکت کرد، صدای پرسوز را شنید که می‌گوید: مَهْلا یا اخی، تَوَقَّفْ حَتَّىٰ اَتْرَوْدَ مِیْنِکْ وَ اُوَدِّعْکْ وَ دَاعٍ مُفَارِقٍ لَا تُتَلَقَى بَعْدَهُ؛ (حائری مازندرانی، ۱۳۹۱: ۲، ۲۶) برادرم آهسته برو، توقف کن تا تو را سیر بینم و با تو وداع کنم، زینب دست و پای امام حسین را در این هنگام بوسید و بسیار جان‌سوز گریست.

حضرت زینب نظاره‌گر نبرد شجاعانه برادر و همچنین زخم‌ها و جراحات فراوانش بود تا اینکه امام حسین (علیه‌السلام) به طرز دل‌خراشی که قبلاً به آن اشاره شد به شهادت رسیدند.

پس از شهادت امام حسین (علیه‌السلام)، حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) در برابر بدن برادرش امام حسین (علیه‌السلام) ایستاد دست‌های خود از زیر جسد قطعه‌قطعه و بی‌سر انداخت و آن را روی دست بلند کرد و گفت: **اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقَلِيلَ مِنَ الْقُرْبَانِ؛** (بیرجندی، ۱۳۸۰: ۱۴۲) حضرت زینب به پروردگار عالم عرض نکرد که "رب نجنی" خدایا مرا نجات بده. بلکه از خداوند خواست قربانی را قبول کند چقدر این مقام دلدادگی نسبت به حق با مقام آسیه متفاوت است لذا زینب و کار او امروز الگوست. (حسینی خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۰)

بار خدایا این اندک قربانی و کشته شده در راه خودت را از ما آل محمد (صلی‌الله‌علیه و آله)، قبول نموده و بپذیر. در اینجا حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) اوج صبر را در هر سه قسم آن نشان دادند.

صبر بر مصیبت‌های پس از شهادت امام حسین (علیه‌السلام)

یکی از شنیع‌ترین کارهای سپاه یزید در کربلا، که حاکی از عمق کینه‌توزی و دشمنی آنان با امام بود، اسب تازاندن بر بدن مطهر امام (علیه‌السلام) بود. در بسیاری از منابع آمده است که این کار به دستور عبیدالله بن زیاد بوده است. چنان‌که ابوالفرج اصفهانی نوشته است: عبیدالله بن زیاد فرمان داد که سینه، پشت، پهلو، و صورت حسین را لگدمال کنند. پس اسبان بر این کار واداشته شدند. (ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۱۹)

سرهای مبارک شهدا را یکی‌یکی بریده، بر سرنیزه می‌زنند ولی زینب باز صبر می‌کرد. حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) شاهد همه‌ی این صحنه‌های دل‌خراش بود اما با عمل به توصیه‌های برادر به تمام این مصائب صبر کردند تا نهضت به سرانجام برسد. (ابن طاووس، ۱۳۹۰: ۱۸۱)

روز یازدهم بود که عمر سعد دستور داد به کشته‌های سپاهش نماز میت بخوانند و دفن کنند، ولی اجساد پاک شهدا، همچنان روی زمین باقی‌مانده بود و این امر دل امام سجاد و بچه‌های اباعبدالله‌الحسین را بیش از همه مصیبت‌ها غمگین می‌ساخت و حضرت زینب آن‌ها را دلداری می‌داد (ابن طاووس، ۱۳۹۰: ۱۹۱) و جز با صبر نمی‌توان به چنین نیرویی دست‌یافت. عقیده بنی‌هاشم که متوجه اندوه برادرزاده‌اش گردید به او این چنین دلداری و از آینده خبر داد " که این بدن‌ها دفن می‌شوند و بر آن‌ها حرم ساخته می‌گردد به طوری که باگذشت روزگاران محو نمی‌گردد و بر رفعت آن افزوده می‌شود. (بارا، آنتوان، ۱۳۹۳)

فرمان کوچ از طرف ابن سعد صادر شد، زینب شروع به گریه کرد و نگاهی به قتلگاه و کنار نهر علقمه افکند و گفت: برادرانم! شما کجا هستید؟ چرا عزیزانتان و فرزندانان را سوار نمی‌کنید؟ سپس خودش آنان را سوار کرد. امام سجاد (علیه‌السلام) با بی‌قراری درحالی که پاهایش را نیز بسته بودند عازم کوفه شد و زینب (سلام‌الله‌علیها) با اینکه خود اسیر بود و مورد بی‌حرمتی واقع می‌شد ولی با تمام توان به یاری همه شتافت، برای یتیمان مادری می‌کرد و بچه‌های از مرکب افتاده را سوار می‌نمود. در برابر تازیانه‌های ناجوانمردان، خود را سپر می‌کرد و در نگهداری اسیران بذل جان می‌نمود (همان) حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) به‌واقع الگوی صبر بر مصیبت است. برای ایشان خیلی سخت و دشوار است که بدون برادر و عزیزان عازم کوفه شود. شاید تنها چیزی که می‌توانست مرهمی بر زخم‌های دل آن حضرت باشد، عمل به تکلیف (صبر بر طاعت) و افشاگری علیه حکومت استبداد و حفاظت از خون برادرش و یاران باوفایش باشد.

صبر بر هتک حرمت حرم

حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) و دیگر بانوان در طول مدت جنگ هرگز در برابر مصیبت‌های جان‌گداز اختیار از دست ندادند و از موضع صبر و عفاف خارج نگشتند. زمانی که امام حسین (علیه‌السلام) به شهادت رسید، لشکر غارتگر به‌قصد غارت به خیمه‌ها یورش برد. ابن طاووس می‌نویسد: مردم برای غارت خیمه‌های اولاد پیامبر (صلی‌الله‌علیه و اله) حمله بردند. دختران و زنان خاندان رسول خدا (صلی‌الله‌علیه آله)، از خیمه‌ها بیرون ریختند و دسته‌جمعی می‌گریستند. (حسینی کوهساری، ۱۳۹۶: ۲۹۴)

دستاوردهای صبر زینبی در تداوم عاشورای حسینی

این‌که گفته می‌شود در عاشورا خون بر شمشیر پیروز شد عامل پیروزی، حضرت زینب بود. حادثه نظامی با شکست ظاهری نیروهای حق در عرصه عاشورا به پایان رسید اما آن چیزی که موجب شد این شکست نظامی ظاهری به یک پیروزی قطعی دائمی تبدیل شود عبارت بود از منش زینب. این حادثه نشان داد که زن در حاشیه تاریخ نیست زن در متن حوادث مهم تاریخی قرار دارد (حسینی خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۰)

مواردی دیگر از صبر زینبی و دیگر خاندان کاروان آل‌الله عبارت‌اند از:

۱ بیداری و آگاهی یافتن گروهی از افراد همچون وهب بن عبدالله نصرانی، مادر و همسرش، تشریف سفیر مسیحی روم به دین اسلام در مجلس رسمی یزید و پذیرش شهادت در راه خدا و بازگشت از سمت فرماندهی سپاه دشمن به سوی امام حسین (ع) (استرآبادی، محمد فاضل، ۱۳۹۱)

۲ بازشناسی چهره یاران واقعی امام حسین (ع) از مدعیان دین‌داری همچون عمر سعد پسر سعد بن وقاص، ابن عباس که از یاری امام سرباز زدند و مسلم بن عوسجه که به یاری امام شتافت (استرآبادی، محمد فاضل، ۱۳۹۱)

۳ معرفی دستگاه حاکمه (همان: ۷۱۵) زینب کبری بعد از برادر شهیدش بیش از یک سال و نیم زندگی نکرد اما در همین مدت کوتاه توانست جریان تاریخ را تغییر دهد (بنت الشاطی، عایشه، ۱۳۹۱)

۴ آموزش ایثار و شهادت‌طلبی؛ کارهای بزرگ، سرمایه‌گذاری بزرگ و کلان می‌طلبید. اسلام با شهادت و خون رواج یافت لذا امام (ع) نه تنها شجره طیبه دین را با خون خود و یارانش سیراب کرد بلکه رسم استقامت، مقاومت، پایداری و فدا کردن جان و استمرار این راه را به جهانیان آموخت. این شهادت‌طلبی گاه همچون کربلا به صورت فردی و زمانی همچون نهضت‌های الهام گرفته از آن مانند قیام حره، قیام ابن زبیر و یارانش علیه یزید، قیام توابعین کوفه، قیام مختار ثقفی در حمایت از اهل بیت (ع) و انتقام از قاتلان ابا عبدالله و قیام فح در اطراف مکه به صورت گروهی و جمعی صورت گرفته است (استرآبادی، محمد فاضل، ۱۳۹۱) این قیام‌ها به براندازی حکومت یزید و سست کردن بنیان امویان و مخالفان اهل بیت (ع) منجر شد و تا به امروز الهام‌بخش نهضت‌های بسیار بوده است. محمدعلی جناح رهبر بزرگ پاکستان گوید: "ما از حضرت حسین یاد گرفتیم که چگونه ملت خودمان را از دست ظلم و استعمار رها کنیم." و گاندی رهبر انقلاب هند گوید: "من از حسین آموختم چگونه مظلوم باشم تا مورد نصرت مردم قرار گیرم." (صحت، شیخ علی، ۱۳۸۴)

۵ ترویج حقایق اسلام و تشیع و پاک‌سازی آن از تحریفات

۶ تکامل شخصیت افراد که باشهامت و مقاومت به بالاترین مقام یعنی شهادت نائل آمدند.

۷ معرفی شخصیت زینب کبری به عنوان الگو و تحقیر دستگاه حاکمه اموی و در نتیجه انفعال آن‌ها در برابر شخصیت افشاگر این بانوی اسیر و دست بسته (حسینی خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۰) یزید روزی از این پیشامدها پشیمان شد که دریافت آوردن زنان و کودکان اسیر به کوفه و شام و مجال سخن گفتن

آن‌ها در جمع چه اشتباه بزرگی بود و بهتر بود با همان شهادت خاتمه پیدا می‌کرد. (آیتی، محمدابراهیم، ۱۳۷۲)

حاصل آنکه امام حسین (ع) کاری کرد که کشته او هم تا ابد برای اسلام بزرگ‌ترین عامل تبلیغاتی شد و مرقد مطهر ایشان نیز دستگاه ظلم و ستم را همیشه تهدید کرده و می‌کند. قیام‌های علویان غالباً با شعار "یاثارات الحسین" و یا پیمان در کنار قبر مطهر حضرت انجام می‌گرفت (آیتی، محمدابراهیم، ۱۳۷۲) و بنی‌امیه و بنی‌عباس همواره از توجه مردم به زیارت سیدالشهدا مانع بودند و به‌ندرت زائری می‌توانست جان سالم به دربرد؛ چه دست‌ها و سرهایی که در این راه قطع و بریده شدند. خلفا پیوسته قبر حضرت را خراب می‌کردند اما مردم آن را آباد می‌ساختند (آیتی، محمدابراهیم، ۱۳۷۲). اهمیت زیارت حضرت تا آنجا بود که ائمه (ع) زیارت سیدالشهدا را امر حیاتی اسلامی دانستند و با این حال که در سفر حج عدم خوف جانی را شرط وجوب آن می‌شمردند اما در مورد زیارت کربلا بر آن بودند که هرچه خوف و ترس بیشتر شود ثواب زیارت بیشتر خواهد شد و این به خاطر آن است که بقای زیارت‌خانه خدا را در چنین مواقعی وابسته به زیارت امام حسین می‌دانستند. (همان: ۳۹) آری عبارت "حسین منی و انا من حسین" که پیامبر فرمود به خاطر نسبت امام حسین (ع) با ایشان نیست زیرا همین نسبت را امام حسن (ع) با جد خود دارد و علاوه بر آن "انا من حسین" چه مفهومی دارد؟ معنای صحیح این حدیث این است که وجود حسین از من است و بقای دین من به حسین (ع). (همان: ۴۰) بی‌جهت نیست که عالم بزرگ مسیحی گوید: اگر ما پیشوایی همچون حضرت حسین داشتیم بالای هر منزلی پرچمی برافراشته و بر سر هر راهی منبری گذاشته مردم جهان را به نام امام حسین به آیین مسیحیت دعوت می‌کردیم. (صحت، شیخ علی، ۱۳۸۴)

بررسی و تطبیق ویژگی‌های عزاداری حسینی با شاخص‌های میراث فرهنگی معنوی

پیش‌تر گفته شد صبر حضرت زینب (س) و بازماندگان واقعه عاشورا در تمامی ابعاد و حوزه‌های آن اعم از صبر بر مصیبت، معصیت و طاعت در این حادثه و به‌ویژه در تداوم آن مشهود است. اگر صبر زینبی که حاصل باور به وعده‌های الهی، ایمان به هدف و آگاهی از تکلیف است نبود قطعاً دشمن به اهداف شوم خود که همان از بین بردن اسلام محمدی (ص)، خاموش ساختن نور آن و ارائه چهره‌ای موجه از خود و اقدامات شوم انجام‌گرفته‌اش به جهان بود پیروز می‌شد و بازماندگان کاروان حسینی نیز به‌عنوان افرادی ضعیف، پشیمان از راهی که در دفاع از اسلام در پیش گرفته بودند و سرخورده از تصمیمات و اقدامات

امام حسین (ع) معرفی می‌شدند و یزید و طاغوت زمان در دستیابی به دو هدف خود از به اسارت بردن کاروان آل‌الله کاملاً موفق می‌شد؛ دو هدفی که یکی عبرت شهروندان از معارضه و مبارزه علیه حاکم زمان و دیگری موجه جلوه دادن اقدام به شهادت فرزند پیامبر و خاندان و یارانش و به اسارت بردن خانواده ایشان و بازماندگان شهدای کربلا بود. مطلب مهم‌تر آنکه نگارش تاریخ کربلا در این صورت، توسط گروهی مزدور خلفای اموی و یا عافیت طلبانی صورت می‌گرفت که یا واقعیت را درک نکرده بودند و یا تحریف‌شده و مقلوب بر اساس منافع، مصالح و اهداف خلفا می‌نوشتند در این صورت واقعه کربلا نه تنها الهام‌بخش و بیدارگر نبود بلکه سبب مایه عبرت دیگران نیز می‌گردید.

در نتیجه سوگواری و عزاداری اباعبدالله (ع) در محرم، صفر و دیگر ماه‌های سال و پیاده‌روی ده‌ها میلیون نفری اربعین و غیر آن مفهومی نداشت. از این رو صبر بازماندگان کربلا به‌ویژه کاروان‌سالار آن، زینب کبری (س) نقطه عطفی در تاریخ اسلام و بلکه در تاریخ بشریت و سرآغازی برای حرکت‌های بیدارگر و ضد استکبار و ستم در جهان اسلام و غیر آن به شمار می‌آید و به سبب ویژگی‌های آن، میوه این شکیبایی هدفمند و آگاهانه و مدیریت حکیمانه، خلق بزرگ‌ترین میراث فرهنگی معنوی جهان بشریت یعنی عزاداری اباعبدالله (ع) است.

تطبیق عزاداری و مراسمات سوگواری امام حسین علیه‌السلام و یارانشان با شاخص‌های میراث معنوی ناملموس

چنانکه گفته شد رویه‌ها، نمادها، مهارت‌ها، ابزارها، اشیا و آثار هنری و مکان‌های مرتبط با آن‌ها به‌عنوان مصادیقی برای میراث معنوی بشمار می‌آید که در مجموعه برنامه‌های سوگواری حسینی تقریباً تمامی این موارد به چشم می‌خورد.

تطبیق شاخص‌های میراث معنوی ناملموس با ویژگی‌های عزاداری حسینی (ع)

بر اساس آنچه ذکر شد اثر فرهنگی شفاهی یا معنوی باید ویژگی‌هایی داشته باشد که در این بخش به تطبیق آن با شاخصه‌های عزاداری حسینی پرداخته می‌شود.

۱. شاخص و استثنایی بودن

بررسی واقعه کربلا به‌ظاهر نشانگر آن است که درگیری‌ای در بخشی از یک روز میان انبوهی از لشکریان مسلح و مجهز معاویه با جمعیتی اندک و کمتر از صد نفر از سوی امام حسین (ع) پدید آمد و تمامی آن سپاه اندک کشته‌شده‌اند. نظیر این در تاریخ بسیار اتفاق افتاده است از این رو پس‌ازاین واقعه نیز

مردم به زندگی روزمره خود ادامه دادند؛ امویان خود را به‌ظاهر پیروز می‌دیدند اما نمی‌دانستند که این فاجعه چندساعته به سبب دارا بودن جوهره خالص و حقیقی و انطباق آن با واقعیت عمیق مبارزه حق علیه باطل باگذشت زمان نه‌تنها به فراموشی سپرده نخواهد شد بلکه روزبه‌روز بر گستره و الهام‌بخشی آن افزوده خواهد گشت به‌گونه‌ای که امروز این عزاداری در قالب پیاده‌روی ده‌ها میلیونی اربعین بروز و ظهور کرده است (آیتی، محمدابراهیم، ۱۳۷۲) و دشمنان را به شگفتی و هراس واداشته است.

در تبیین این مسأله باید به خطبه‌های افشاگرانه امام زین العابدین علیه السلام و زینب کبری علیها السلام اشاره کرد؛ پس از آن که کاروان اسیران را به کوفه و شام بردند، خطبه‌های آتشین امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب سلام الله علیها، اوضاع شام و کوفه را تغییر داد و فضای جامعه اسلامی را بر ضد دستگاه خلافت اموی بسیج کرد. (عاشورا: ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها - نویسنده: سعید داودی / مهدی رستم نژاد - سال نشر: ۱۳۹۲ - ناشر: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع) - ص ۶۲)

خطبه‌هایی که یادآور خطبه‌های آتشین علی علیه السلام در برابر دشمنان بود؛ الفاظ پرمعنی و هیجان‌انگیز، حملات کوبنده، و تعبیرات تکان‌دهنده که هرگز به سخنان یک مصیبت‌زده داغ‌دیده اسیر نمی‌ماند! [۵۳] خطبه‌هایی طوفانی که به منزله تیرهای خلاصی بود که بر پیکر حکومت بنی امیه یکی پس از دیگری وارد می‌شد، و بذر انقلاب‌های آینده را در دل‌ها می‌گستراند. (همان، ص ۵۷۳)

نکته قابل توجه این است که امام سجاد علیه السلام و زینب کبری سلام الله علیها در شرایطی این خطبه را ایراد کردند که یزید سرمست از باده پیروزی بود. [۵۵] لیکن جامعه اسلامی با ضرباتی که خطبه کوبنده امام سجاد علیه السلام و زینب کبری سلام الله علیها بر روحشان وارد کرد چنان به هیجان آمدند که آماده پیکار با دشمنان اهل بیت علیهم السلام و گرفتن انتقام از قاتلان شهدای کربلا شدند. [همان؛ ص ۵۷۶]

این خطبه‌ها با ادبیات شجاعانه، چنان تأثیری در زن و مرد کوفه و شام گذارد که همگی به هیجان آمدند، گویی عزیزترین عزیزانشان از دنیا رفته است؛ لذا امت اسلامی را به لرزه درآورد و کینه‌ها بر ضد بنی امیه در سینه‌ها شکل گرفت و سرآغاز فصل تازه‌ای در تاریخ اسلام شد. [همان؛ ص ۵۷۳] به نحوی که فریادشان بلند گشت که ای وای! مگر ممکن است خاندان پیامبر خدا اسیر شوند؟! [همان؛ ص ۵۴۶]

۲. ریشه داشتن در سنت یا تاریخ فرهنگی، گروه، اجتماع یا ملت خاص

سوگواری امام حسین عواطف، اندیشه، خرد و شعور جامعه را با مراحل خاصی بر می‌انگیزد، آنگاه احساسات آنان را بهم گره می‌زند، به اوج می‌رساند، عقلانیت جمعی را بر فردی مقدم می‌کند و سپس زمینه را برای هم‌اندیشی و همکاری مشترک، با احساس مشترک آماده می‌کند و کمیت و کیفیت انجام فعالیت‌های اجتماعی را بالا می‌برد. این بر انگیزختن هر سال، همزمان با عزاداری‌ها رخ می‌دهد و دریای شور و شعور جامعه را پس از آرامش بار دیگر تکان می‌دهد.

گاهی یک فضای سیاه پوش جامعه ای را بر می‌انگیزد، زمانی گذار یک دسته از میان مردم، آنان را بیدار می‌کند و در جایی هم حضور در یک هیئت سینه زنی انسان را می‌شوراند و در بسیار موارد هم سخنرانی یک خطیب یا ذکر مصیبت یک مداح خرد خفته را بیدار و اندیشه پزمرده را بالنده می‌سازد. «اجتماع تحت یک بیرق، اجتماع تحت یک ایده، و هیچ چیز نمی‌تواند به مقداری که عزای حضرت سیدالشهدا در او تأثیر دارد، تأثیر بکند» (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳۴۶)

از این رو آیین‌های عزاداری حسینی ریشه‌دارترین آیین‌ها در تاریخ فرهنگی و گروهی جامعه مسلمین است که به نحوی به غیرمسلمانان نیز تسری یافته و امروزه در کشورهای هم‌چون هندوستان با اکثریت غیرمسلمان و غیر موحد انجام این مراسم، آیین‌ها و شعائر دیده می‌شود. در ایران نیز مراسم محرم و صفر به شیعه اثنی عشری اختصاص نداشت بلکه بر اساس شواهد تاریخی، سایر اقوام و مذاهب هم‌چون ارامنه و زرتشتیان تهران از دوره قاجار بدان می‌پرداختند. (شهری، ۱۳۶۹، ۳: ۵۲۴)

۳. ابزار مهم برای تقویت هویت فرهنگی گروه یا اجتماعی یا ملت معین

تمایلات اجتماعی از جمله عناصر مهم شکل‌گیری تمدن اسلامی از طریق تغییر تمایلات، عاطفه‌ها و زیباشناسی اجتماعی است و آموزه‌های عاشورایی این نظام تمایلات را مدیریت می‌کند و فرد و جامعه را از تمایلات دنیوی به سوی تمایلات متعالی و الهی سوق می‌دهد و سوگواری امام حسین (ع) به‌ویژه مراسم اربعین حسینی نظام زیبایی‌شناختی جدیدی بر محوریت قیام حضرت شکل می‌دهد و هنرهای تجسمی و ادبیات را تحت تأثیر خود قرار داده بشر را از توجه به افق ناسوتی حیات و زندگی سودگرایانه منصرف و به سوی افق ملکوتی و جنبه‌های متعالی زندگی سوق می‌دهد. (معینی پور، ۱۳۹۴: ۳۴-۳۵) در مراسم عزاداری طبقه و شکاف نسلی در یک همگرایی خیره‌کننده جای خود را به تقویت اشتراکات

می‌دهد و دین و نظام‌های قانونی نقش انسجام بخشیدن به جامعه و اعضای یک گروه را ایفا می‌کنند. (باقی، ۱۳۷۹: ۷۶)

و این ابزاری مهم جهت شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی تحت عنوان هیئت مذهبی، کاروان‌های زیارتی و عزاداری و موکب‌های گوناگون و تقویت هویت فرهنگی اجتماعی و جامعه بشری به‌ویژه جهان تشیع هست.

۴. نشانه بارزی از زنده‌بودن سنت‌های فرهنگی

فارابی جامعه فاضله و برتر را جامعه‌ای می‌داند که در آن محبت بر پایه اشتراک در فضیلت، آراء و افعال وجود داشته باشد (فارابی ۱۳۷۶، ۶۰) همبستگی حول محور فضائل همان همبستگی بر امور فطری مشترک میان انسان‌هاست که فرازمانی، فرامکانی، فراقومی، فرازبانی، فرا جنسیتی، فراملیتی، فرامرزی و فرا دینی است بلکه توان آن را دارد که جامعه بشری متمایل به ویژگی‌های انسانی را در همه دوران در برگیرد. دفاع از مظلوم و هم‌دردی با او، دفاع از کودکان، زنان و بیماران و مصونیت آن‌ها حتی در شرایط جنگی، مقابله با ظلم و فساد، تبعیض و تباهی به قیمت ایثار جان، مال، فرزندان و خانواده و به اسارت بردن زنان و کودکان که در جریان نهضت حسینی هم از مواردی است که عواطف جهان بشری را به‌سوی خود جلب می‌کند و آن‌ها را به برگزاری هرچه باشکوه‌تر مراسم عزاداری حسینی و جلوگیری از به فراموشی سپردن آن فرامی‌خواند. از این‌روست که هر ساله شاهد افزایش چشمگیر آمار شرکت‌کنندگان در پیاده‌روی اربعین حسینی از ملیت‌ها، زبان‌ها، نژادها، ملل و نحل گوناگون هستیم.

۵ خطر از بین رفتن مراسم عزاداری حسینی به دلیل نبود حفاظت، تغییرات و دگرگونی‌ها

برای هر گوهر گران‌قدر خواه‌وناخواه آفات و تهدیداتی وجود دارد که عدم توجه به آن، خسارت بعضاً غیرقابل جبرانی را به دنبال دارد. عزاداری حسینی نیز از این امر مستثنی نیست. لذا هرچند که گستردگی، تنوع و ذووجوه بودن آن، امکان ثبت و ضبط تمامی آن را دشوار یا غیرممکن می‌نماید لیکن توجه بدان که گاه از سوی بعض عالمان دینی همچون شهید مطهری (ره) در کتاب فریادهای شهید مطهری به تحریفات عاشورا و دیگران انجام شده امری عقلانی و ضروری می‌نماید.

نتیجه‌گیری

زنان در طول تاریخ پیوسته درجهت فرازوفرود دولت‌ها و ایجاد جریان‌ات تاریخی نقش‌آفرین بوده‌اند. نام بانوانی تاریخ‌ساز همچون مریم، آسیه، خدیجه، فاطمه و زینب کبری (س) در تاریخ بشر ثبت‌شده است. با این حال نقش زینب کبری (س) در ایجاد تحولات تاریخی و سقوط دولت مقتدر اموی و سر برآوردن قیام‌های بسیار علیه ظالمان زمان از سال ۶۱ هجری تا به امروز برکسی پوشیده نیست. وی که پس از جریان عاشورای حسینی کاروان‌سالاری گروهی زن و کودک داغ‌دیده و امام سجاد (ع) را بر عهده داشت با آگاهی از رسالت عظیم خویش و صبر و شکیبایی و استقامت در راه انجام آن توانست برگ برنده حاکمان دولت مقتدر اموی و شبکه‌های رسانه‌ای آن‌ها را به عرصه رسوایی فضاحت‌بار تبدیل کرده جشن و پای‌کوبی آنان در شهادت اباعبدالله (ع) و یارانشان و اسارت خانواده ایشان را به مراسم سوگواری حضرت بدل سازد. بیدارگری که طاغوت اموی را به اعتراف به اشتباه خود در ارتکاب بزرگ‌ترین فاجعه تاریخ بشری واداشت و ایجاد تحولات تاریخی، سقوط دولت مقتدر اموی و سر برآوردن قیام‌های بسیار علیه ظالمان زمان از سال ۶۱ هجری تا به امروز را رقم زد. عزاداری امام حسین (ع) که از عصر عاشورای سال ۶۱ هجری آغاز گشت و در کاخ یزید رسمیت یافت و پس از گذشت چهارده قرن تا به امروز تداوم داشته است؛ عزاداری‌ای که تمامی ویژگی‌های میراث فرهنگی ناملموس (معنوی) اعم از ماندگاری، فراگیری، پویایی و زنده ماندن، قابلیت انتقال به دیگران، قابلیت ایجاد تحول در فرهنگ جامعه، برخورداری از نمادها، آیین‌ها، ابزارها، هنر، دانش و غیر آن‌ها را شامل می‌شود و ابرمیراث فرهنگی معنوی جهان به شمار می‌آید. میراثی که حاصل صبر جمعی مصیبت‌دیده در بدترین شرایط روحی، جسمی و فیزیکی و به کاروان‌سالاری بانویی همچون عقيله بنی‌هاشم زینب کبری (س) است که در تمامی جریان کربلا و پس‌از آن در سفر به شام و سپس از شام به مدینه الگوی صبر و استقامت گردید. لذا این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی در پی پاسخ به این سؤال که "نقش حضرت زینب در آفرینش بزرگ‌ترین میراث معنوی جهان چیست" برآمد. و پس از تبیین مبانی نظری، شخصیت حضرت زینب (س) و مواضع صبر ایشان در قالب صبر بر طاعت، صبر بر مصیبت و صبر بر معصیت را مورد بررسی قرار داده به این نتیجه رسید که هرچند تمامی اقسام صبر در رفتار و فرمایشات ایشان کاملاً مشهود است لیکن در روز عاشورا و در وقایع پس‌از آن صبر بر مصیبت بیش از دو نوع دیگر مشاهده می‌گردد. سپس ضمن بررسی تاریخچه عزاداری

سیدالشهدا (ع) و تطبیق ویژگی‌های آن به‌عنوان نهضت بیدارگر بشریت و دستاورد عظیم کوتاه‌مدت و درازمدت صبر زینبی با مختصات میراث فرهنگی معنوی، چنین نتیجه حاصل شد که تربیت بانوان بر اساس مکتب وحی الهی و اجرای تکالیف بر مبنای آنچه خداوند برای آن‌ها در نظر گرفته است از آنان اسطوره‌هایی تاریخ‌ساز، تأثیرگذار و تحول‌آفرین همچون زینب کبری (س) برای جهان بشریت پدید می‌آورد که بزرگ‌ترین تحولات عالم بشری و میراث فرهنگی معنوی را از خود برجای می‌گذارند و بیشترین خدمات را به جهانیان ارائه می‌دهند. این چنین بانوانی الهام‌بخش تاریخ می‌باشند و امروز فرهنگ صبر و مقاومت در میان مردان و زنان در برابر ظالمان و ستمگران جهان حاصل این الگوپذیری است.

فهرست منابع

قرآن کریم

- آئینه‌وند، صادق (۱۳۹۳)، اولین روزشمار جامع تاریخ عاشورا، تهران: ندای کادح.
- آقاجانی قناد، علی (۱۳۸۸)، تاریخ عزاداری تاریخی، پگاه حوزه، ۱۳۸۸، ش ۲۶۹
- آیتی، محمد ابراهیم، سخنرانی‌های محمدابراهیم آیتی با مقدمه علی اکبر غفاری، ۱۳۷۲، نشر صدوق، تهران
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۴۰۹)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۹۰)، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران: جهان.
- استرآبادی، محمدفاضل (۱۳۹۱)، عاشورا، انگیزه، شیوه و بازتاب، تهران: شیعه شناسی
- اعظام قدسی، حسن، خاطرات من یا تاریخ صد ساله‌ی ایران، ج ۲، تهران، کارنگ، ۱۳۷۹، ص ۶۹۲
- امام خمینی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۰.
- امین عاملی، سید محسن (۱۴۰۶)، أعیانُ الشَّیعة، علی حجتی کرمانی، تهران: انتشارات سروش.
- بارا، آنتوان (۱۳۹۳)، زینب (س) فریادفرمند، ترجمه غلامحسین انصاری، شرکت چاپ و نشر بین الملل
- باقی، عمادالدین (۱۳۷۹)، جامعه شناسی قیام امام حسین (ع) و مردم کوفه، تهران: نشر نی
- بحرانی، عبدالله بن نورالله (۱۴۰۵)، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، قم: مدرسه الإمام المهدی (علیه السلام).
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰)، صحیح بخاری، قاهره: جمهوریة مصر العربیة، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیة، لجنة إحياء كتب السنّة.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷)، انساب الاشراف، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- بنت الشاطی، عایشه (۱۳۹۱)، زینب بانوی قهرمان کربلا، ترجمه و نگارش حبیب چایچیان و مهدی آیت الله زاده نایینی، تهران: امیرکبیر، ج ۲۰
- بیرجندی، محمدباقر (۱۳۸۰)، کبریت الاحمر، تهران: نغمه قرآن
- جزایری، نورالدین (۱۳۸۵)، خصایص زینبیه، ویژگیهای حضرت زینب (سلام الله علیها)، ترجمه ناصر باقری
- بیده‌ندی، قم: مسجد مقدس جمکران، ج ۵

- حائری مازندرانی، محمد مهدی (۱۳۹۱)، معالی السبطين، قم: تهذيب.
- حسینی کوهساری، سید اسحاق (۱۳۹۶)، پژواک اسارت، قم: بوستان کتاب.
- حسینی، صالح (۱۳۶۹)، اصطلاحات ادبی، تهران: انتشارات نیلوفر
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، مقام معظم رهبری (۱۳۹۰)، زن و بازیابی هویت حقیقی، گزیده بیانات حضرت آیه الله سیدعلی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، انقلاب اسلامی، تهران
- دورکیم، امیل، صور بنیانی حیات دینی، ۱۳۹۶، ترجمه باقر پرهام، نشر مرکز، تهران
- خوارزمی، موفق بن احمد (۱۴۲۳)، مقتل الحسین، قم: دار انوار الهدی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالشامیه.
- رضایی، محمدعلی (۱۳۷۹)، آموزه‌های تربیتی عاشورا (درس‌ها و عبرت‌ها)، اصفهان: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- رضائیان، علی (۱۳۷۶)، اصول مدیریت، تهران: سمت، چ ۸
- زیبیدی، مرتضی (۱۴۱۴)، تاج العروس، بیروت: دارالفکر.
- سپهر، محمدتقی لسانالملک ((۱۳۹۰))، ناسخ‌التواریخ، زندگانی حضرت زینب سلام الله علیها، تهران: اساطیر.
- شجاعی، محمد (۱۳۹۷)، اربعین حماسه ظهور، قم: نشر محبی
- شریعتی، علی (۱۳۹۲)، زن، فاطمه فاطمه است، مشهد، چاپ مهشید، چ ۶
- شهری، جعفر (۱۳۶۹)، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، تهران: هرمی
- صحت، شیخ علی (۱۳۸۴)، پیام عاشورا (شرح زیارت عاشورا)، تهران: زنبق
- طبری، ابی جعفر محمد بن جریر (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، ابوالقاسم پاینده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۴ ق)، امالی، قم: دارالثقافه
- فارابی، ابو نصر، ۱۳۷۶، السیاسة المدنیة، ترجمه و شرح حسن ملک شاهی، تهران: سروش
- قزوینی، سید محمد کاظم (۱۳۹۴)، زندگانی حضرت زینب کبری (سلام الله علیها)، تهران: آرام دل
- کاشفی سبزواری، ملاحسین (۱۳۸۲)، روضه الشهداء، تحقیق عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم: نویداسلام
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمه الاطهار، لبنان: دار احیاء التراث العربی
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۶)، شرح زندگانی من، تهران: هرمس
- معینی پور، مسعود (۱۳۹۴)، ظرفیتهای تمدنی کنگره اربعین، مجموعه مقالات مدنیت، عقلانیت، معنویات در بستر اربعین، تهران: اسوه مهر
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۳۹۵)، الارشاد، امیر خانبلوکی، قم: تهذيب.
- المقرم، عبدالرزاق (۱۴۲۶)، مقتل الحسین (علیه السلام)، بیروت: مؤسسه الخرسان للمطبوعات.
- موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۴)، اربعین حسینی، شکوه همبستگی امت اسلامی، مجموعه مقالات مدنیت، عقلانیت، معنویات در بستر اربعین، تهران: اسوه مهر
- میرصادقی، جمال (۱۳۷۶)، عناصر داستان، تهران: انتشارات سخن، چ ۳
- نراقی، مهدی ابن ابی ذر (۱۳۷۶)، جامع السعادات، سید جلال الدین محتبوی، تهران: انتشارات حکمت.